



START

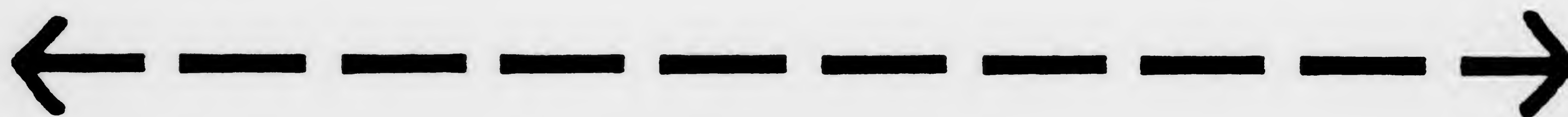
UCLA

REEL 116



Microfilmed 1990

**University of California
Reprographic Service
Los Angeles, CA 90024-151804**



6 inches

Reduction Ratio 14:1

**National Preservation Program for
Biomedical Literature:**

**Preservation of Persian and Arabic
Medical Manuscripts**

**Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles**

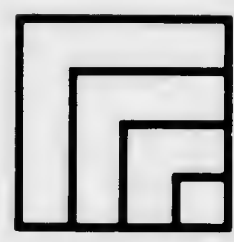
(Contract Number N01-LM-9-3534)

October 1989 - September 1990

**The material on this microfilm
is of varying quality. Portions
of the material may be illegible
due to:**

**Aged paper
Foxed, stained, or insect
damaged paper
Water damaged paper
Glossy paper
Illegible script or faded ink**

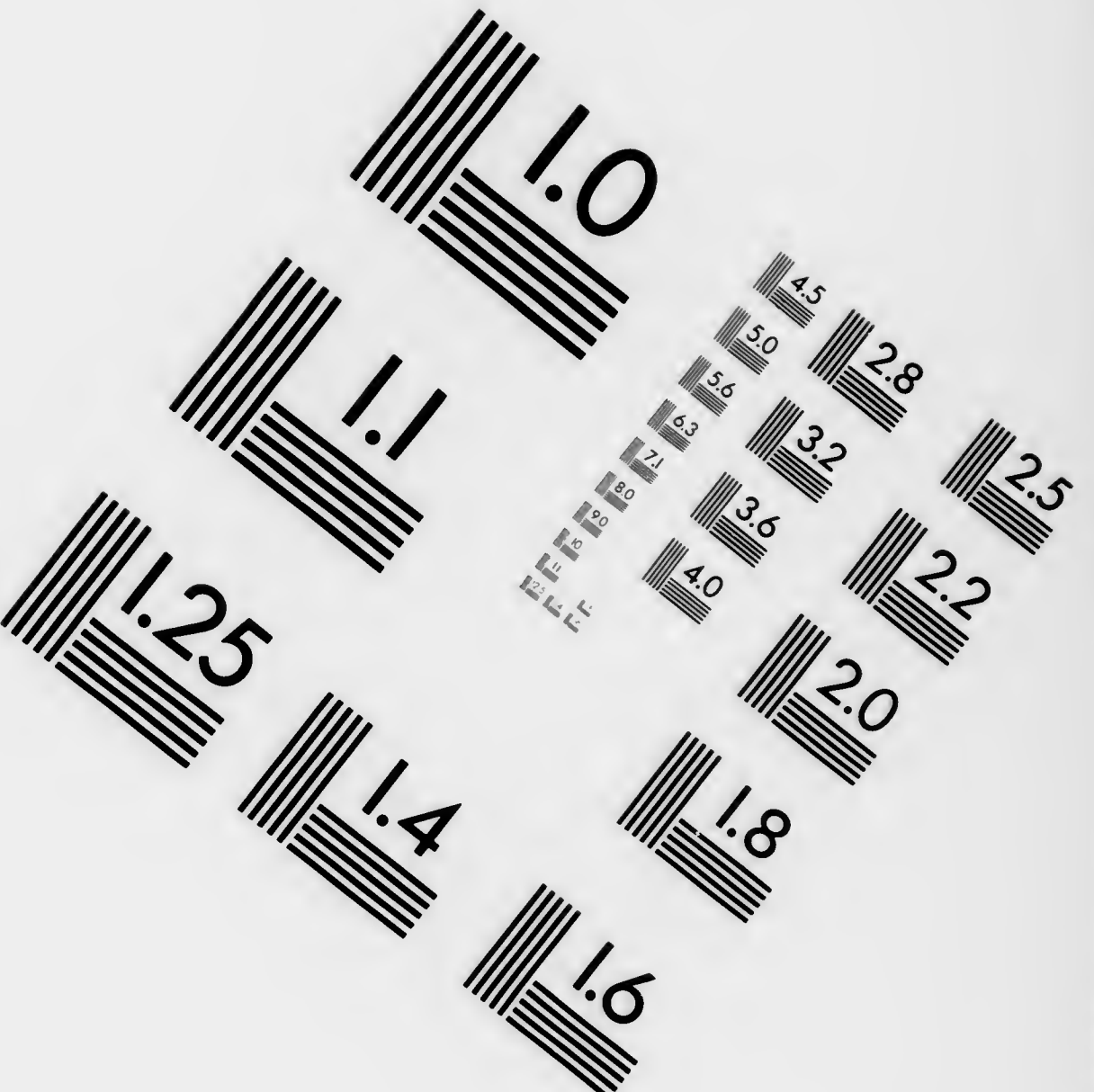
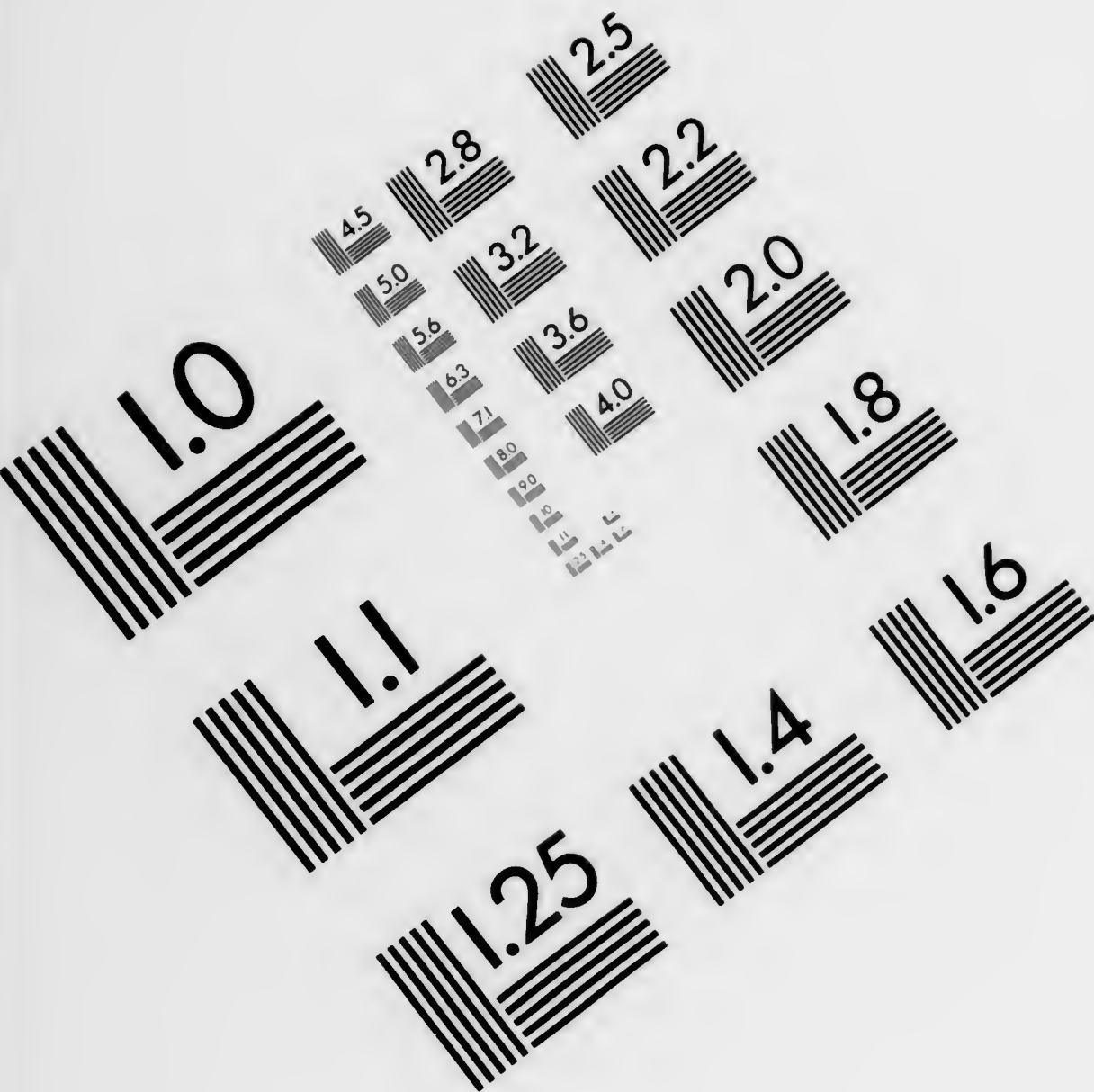
**Red and purple within the
manuscripts may appear paler.**



AIIM

Association for Information and Image Management

1100 Wayne Avenue, Suite 1100
Silver Spring, Maryland 20910
301/587-8202

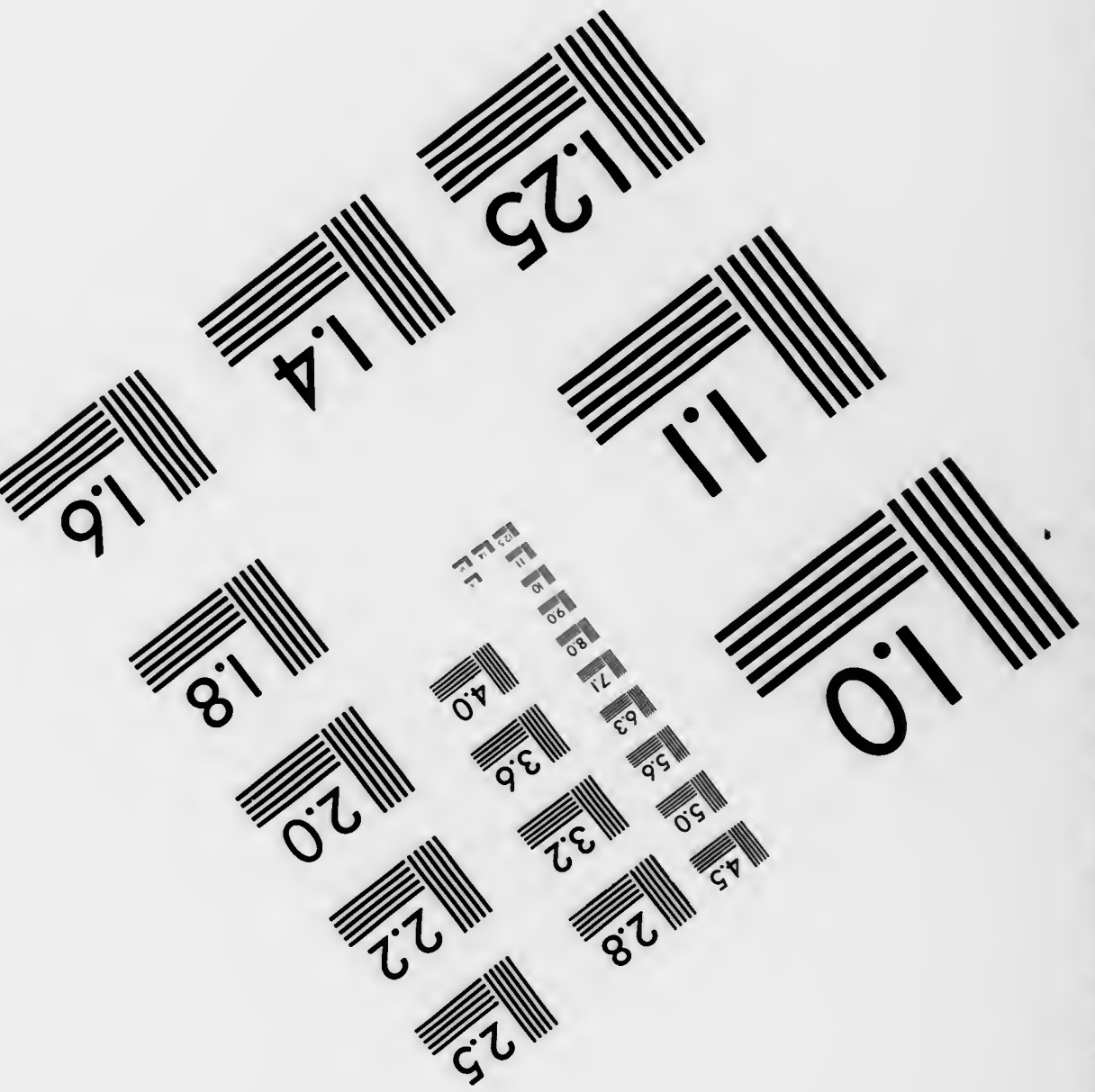
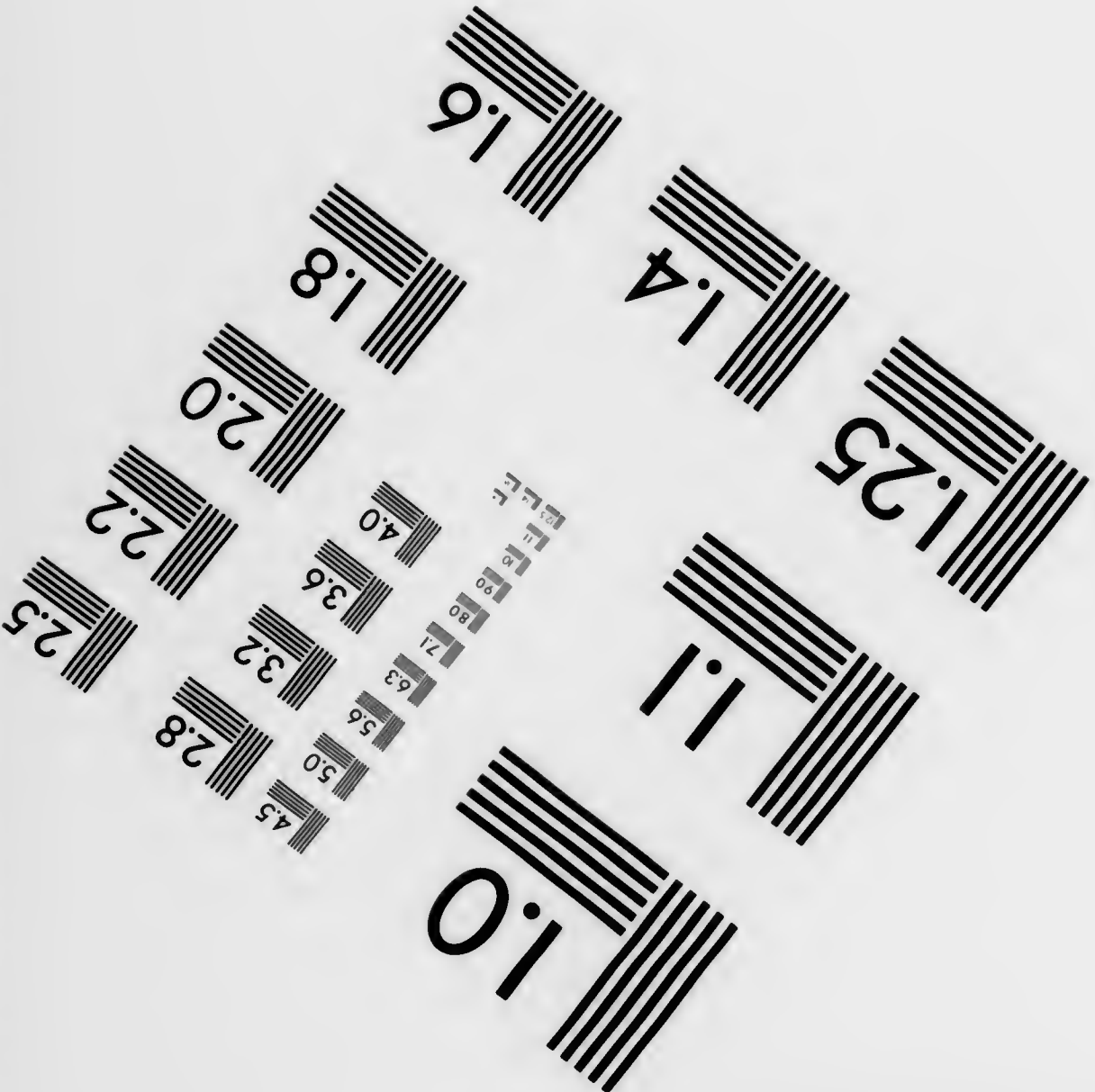
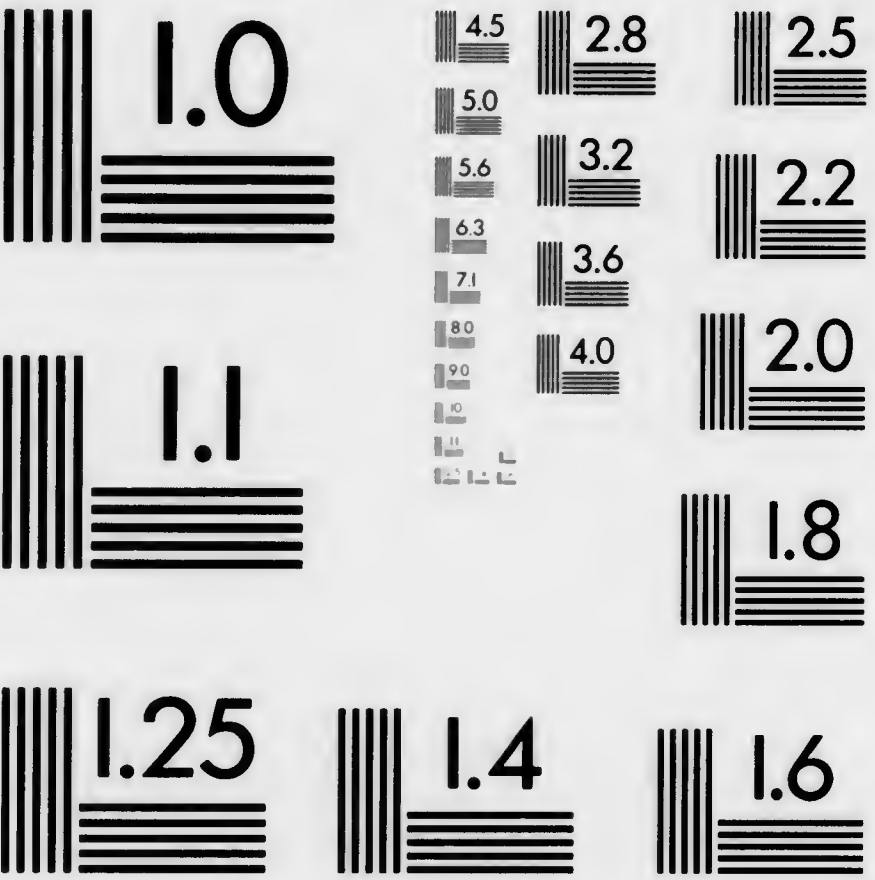


MS303-1980

Centimeter



Inches



MANUFACTURED TO AIIM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.

**Los Angeles,
University of California**

Louise M. Darling Biomedical Library

**History and Special Collections
Division**

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

**For permission to publish, or obtain
copies of microfilm, write to:**

**History and Special Collections Division
Louise M. Darling Biomedical Library
University of California, Los Angeles
Los Angeles, CA 90024-1798
U.S.A.**

*Ms.
coll.
no.60
RARE

Persian medical manuscripts. -- ca.
1100-ca. 1900.
150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.
Entire collection microfilmed as part
of a National Library of Medicine
preservation project: the preservation
master negative is at NLM; the printing
master negative is at the University of
California's Southern Regional Library
Facility; a positive copy is housed in
the UCLA Biomedical Library's History
Division.
Formerly a part of: Near Eastern
manuscript collection, Dept. of Special
Collections, University Library,
University of California, Los Angeles,
and assigned accession no. 1117.
Transferred to the History Division
of the UCLA Biomedical Library in
CLU-M ejf 891113 CLUHsl SEE NEXT CRD

*Ms.
coll.
no.60
RARE

Persian medical manuscripts. ... ca.
1100-ca. 1900. (Card 2)
March, 1986.
Finding aids: Annotated and indexed
list available in library: Richter-
Bernburg, Iutz, Persian medical
manuscripts at the University of
California, Los Angeles : a descriptive
catalogue (Malibu : Undena
Publications, 1978)
1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts,
Medical. I. University of California,
Los Angeles. Louise M. Darling
Biomedical Library. History and Special
Collections Division. II. Series: Near
Eastern manuscript collection ; no.
1117.

CLU-M ejf 891113 CLUHsl

Persian Medical Manuscript Collection

Ms. 118

(Richter-Bernburg No. 118)

**Author: Moḥammad Moʻmen b.
 Moḥammad Zamān Tonakābonī**

Title: Toḥfato l-moʻmenīn

65 fols., 295 x 200 mm

Loose material filmed at end of manuscript

678
coll. 1117 MS 118



THE LIBRARY
OF
THE UNIVERSITY
OF CALIFORNIA
LOS ANGELES

در پخته سبب
که با هم میزنند و کفالت می کنند
در ده خوشی در روز و خوشی را
در یک خوش را که از روز
نروید به مدد سبب به هیچ در یک با فقه با بستان و دان
در یک با چه به یک شب به چه به یک به یک به یک
سبب به یک
همچنین به یک به یک به یک به یک به یک به یک به یک به یک
نقصان گرفته و به سبب
همه را با هم میزنند و کفالت می کنند به سبب به یک به یک به یک
پس چه در ده خوشی به یک به یک به یک به یک به یک به یک به یک
و قدر در یک به یک به یک به یک به یک به یک به یک به یک

سبب به یک به یک به یک به یک به یک به یک به یک به یک
که با هم میزنند و کفالت می کنند و خوشی را در طرف
که با هم میزنند و کفالت می کنند و خوشی را در طرف
که با هم میزنند و کفالت می کنند و خوشی را در طرف



السبب

[illegible]

در مقام چوب چینی و آن چندی پنج است یکی با ترقیق و در امراض مزمنه و تکلیل ریا ح و مواد غلیظه استعمال است و دیگر بطریق قوه و این در اکثر مواضع و پیغام است و در هیچ مزاجی مضر نیست و دیگر ترقیق و علوا و سفوفت و هر یک مذکور میشود مخفی نماند که آنچه تجربه رسیده و ادویه در هیچ باب منفع چوب چینی مشاهده نشده چه معین ندیده که قسمی از اقسام او موافق عالی را احوال نباشد و اینکه در بعضی مزاج و برخی امراض مفید از عدم مراعات پنج مناسب آن علت خواهد بود چه مخفا و محو و المزاج الترقیق و استعمال شیرینها و ادویه حاره مضر است و مبرور را تبرید و کمتر با قلت مقدار چوب چینی و صاحب سده احتیاج کم و خوردن نمک از وجوب پسندیده نیست چه ترک عادت غیر مضاده و اعتیاد بغير شیرینی و ادویه حاره با فطره لازم دارد پس اگر امراض مزمنه باشد ترک نمک اولیست و الا تقلیل باید نمود اما دستنوا استعمال او با ترقیق که بعد از تنقیه بدن هر روز هشت گرم تا ده گرم آنرا بسیار با ریخت و ورق نموده یا کمین و نیم بوزن شاه آب که هزار و هشتصد مثقال باشد در دیک یا سفال یکس بسیار قلعی که دهن آن را بجمیر گرفته باشند با شش زخم بخوشانند تا بنصف رسد پس بر روی کرسی شسته اطراف خود را بمجان دیک را در زیر کرسی و دهن بکشایند تا بخار آن به بدن برسد و محل تنفس باید کوبید و آن لحاف باشد تا باعث غشی خفغان و کرب نکرد و در روز از آب آن در آن وقت بجهان گرمی نبوشند پس خود را بلباس سبیده استراحت کند تا عرق خشک شود و هستیاط از هوا بسیار باید بجمع آب چینی را در دهن شبنم روزی بخرق کنند بعضی را گرم با نبات و بی نبات و قدری را سرد بجای آب و قدری را طعام بآن ملج نمایند اصلا آب و مدت خوردن چینی میل کنند و بعد از فراغ بجای آب چند روز باید عرق بید مشک و کلاب و عروق کا و زبانه و عرق را زبانه هر مزاجی نبوشند و قبل از یک هفته البته آب نباید خورد و بجمام نباید رفت و در آشنای خوردن چینی بخت ضرورتی جمام جایز است بشرط سوزش و هر چند ایام خوردن آب زیاده باشد بهتر است و در ترقیق مراعات بنیه و محالات شرط است بعضیها هر روز جایز است و بعضی را وقتی و وقتی و هرگاه علت و عضو بوده شامل تمام بدن نباشد هر روز همان عضو را بهر مزاجی بدارند چون خواهند که معلوم کنند که آب بنصف یا نه باید که نقبه در وسط سر پوش دیک کرده بخیر مسدود کنند و نصف آب مقرر را با چوب چینی در دیک ریخته چوبی با یکرا اندازه گرفته موضع نشسته سبیده بعد از آن نصف دیک را برابر بزنند و بعد از جو شیدن بقدری که بوقت امتحان رسد آن چوب را از نقبه سر پوش فرو برده نشسته سبیده نموده از رطوبت و عدم رطوبت لته شخص سازند و تجربه رسیده که چون یکم شایع بهمیه خشک را بعد چروغی بسوزانند آب می رسد و باید هر روز دیک چوب چینی را از لای و در مطبوخ سابق آن پاک کرده هر چه بفضلی نشده رنگش بسیار سیاه نکشته باشد اما نه چو لاحق نمایند که باعث قوه آن میگردد و بعضی فرموده اند که باید یکبار جو شیده آنرا هر روز خشک کرده یا دیگر بدستور سابق جو شاییده نبوشند حقیر اگر آن را بعد از فراغ خوردن چینی بخوشانند و بجای آب و عرق همان قی نبوشند و در بعضی امراض شکمک بغایت نافع و بهتر از کلاب و سایر مدت پر بهیز آن دو ماه و اکثر آن یکسال و متوسط آن سه ماه و سبزهها و میوه های تازه لازم است و شیرینی با فراطینر خوب نه بغایت مضر است و آنچه بخاطر فاعل میرسد آنست که پر بهیز باید خورد

ورزشهای

شش ماهی خفیف داده و اصله ضرری مشاهده نمود بلکه باعث تعدیل کشته و بهترین اوقات استعمال آن خبر داده اند و بعضی چهار روز و بعضی
 نیز است و سایر خواص در احوال خوب چسبی در مغز و مذکور شد و مستوی آتش میدن چینی بطریق قوه جو شاندن او بوجوبست که مذکور شد و
 تا به وقت هم کافیت و آب آن تا نصف دم که نصف رسد و نیمه تا پنج چهار یک تبریز آب را نصف میرساند و شراب بستر است که مذکور کرد
 و آب و زعفران حمام و زعفران آن و درین دستور اصله ضرری در هیچ فراح مغنون نمیکرد و در وقت غذا و کثرت آن و کمی زیاد
 و کتب هر مزاج و هر علی تفاوتست و کاتبه باید در ایام شرب آن اصله اب بخورد پس اگر آب زیاد میل شود باید که اگر کمتر خواست کند
 و یا ده لبوز انداخته آب کمتر از نصف بماند و نوش قویتر کرد و اگر مطلب کمی قوت و کثرت شرب باشد کمتر بخورند تا آب بیشتر بماند
 و این قاعده عظیمی است بجهت توافق افرد دستور نفق چسبی که گفته شود و المزاج و خفیان و ناقصین و تقویت اعضا و قوی و افرجه
 فراح است و در فصل گرمی هوا و اوق چسبی را از یک هم تا هشت هم باید سوهان نمود و در عرضهای مناسب و او و موافقه شش ماهی
 و یا نیکو و مکرر بر هر دپس مافموده نوشید و هرگاه جبهت خفیان حاصل شود و در عرض جاریه باشد با صند سفید و کشینه خشک و کل سرخ
 دستور بقدر چسبی در کلاب یا عرق نیلوفر یا عرق بید مشک و عرق کربان از چهل پنج هم تا نود هم بخورند و هرگاه جبهت مزاج باشد با عود
 و یخ و در زرباد و امثال آن عرق را زیاده عرق بهار و عرق ذر و مانند آن باید خیسایند و با شکر مناسب در هر ای می نوشند و همچنین هرگاه جبهت
 مت عضوی دهند با دوی مناسب آن عضو خیسایند و هر چه بعد از سرد ز صاف کرده باشند جرم آن را در عرق مناسب بقدر ضرورت خیسایند
 و آب در ایام شرب نفق بخورند و قدر چسبی بجهت اطفال از یک هم تا چهار هم و غیر اطفال از چهار هم تا هشت هم باشد و استعمال
 و چسبی خوب چسبی را از زانقه کدر اندیده باشد است یا شیر بهر چه و شکر و روغن تازه حلا و ترتیب دهند و اگر تشنه بطلب باشد و از چسبی زربا
 و خشک و امثال او قدری اضافه کنند و باید از جرم چسبی قدر هر شترتی زیاده از سه هم نباشد و استعمال جرم او جهت صاحب شده اصله ضرری
 نفق که چسبی مقهور است با آب و دست و انبساط که قدر معتدلی به آن را کوبیده سه روز خیسایند و بخورند و حلا و آب و ترتیب
 و در دو معاین عمل آن را با آب و لبقوام آورده جرم آن را استعمال نمایند و قویتر شده نموده که بجهت نفع عاجل از جرم آن استعمال
 و در مستغنی شده تا از احداث سه و غافل و بعد از مدتی بحال آن رسیدند و سقوط آن جهت رطوبت موطوعده و اسهال نفق نفعست و
 و در شش و شش و شش مذکور شد که ششبه الناریا سمین بر نیست و چون مغز آن قوی تر است لهذا درین زمان آتش میدن آن
 و در هر فرد و درین طریق استعمال دانگ هر روز پنج هم بقدری ریزه کرده با کلاب و عرق بید مشک و عرق را زیاده هر یک نمود هم
 خیسایند و بطریق خوب چسبی بخورند تا آبها جلت رسد پس نموده سه روز صبح و ظهر و شام با قدری نبات نیمکره کرده
 و باید که تا دوازده روز بهین پنج پاشانند و بعضی زیاده از این بخور کرده اند و بر هر بستر است که در خوب چسبی مذکور شد
 و غصو غلیل را به بخار آن بدلارند نفعست و تنقیه قبل از شروع از لوازم است و بعضی جمع شصت هم آن را جو شایند و مافموده در
 ده یوم میدهند و بعضی قدر سه روز را یک دفعه جو شایند سه حصه کرده سه روز میخورند و غیرا مغنون است که موجب دان کرد

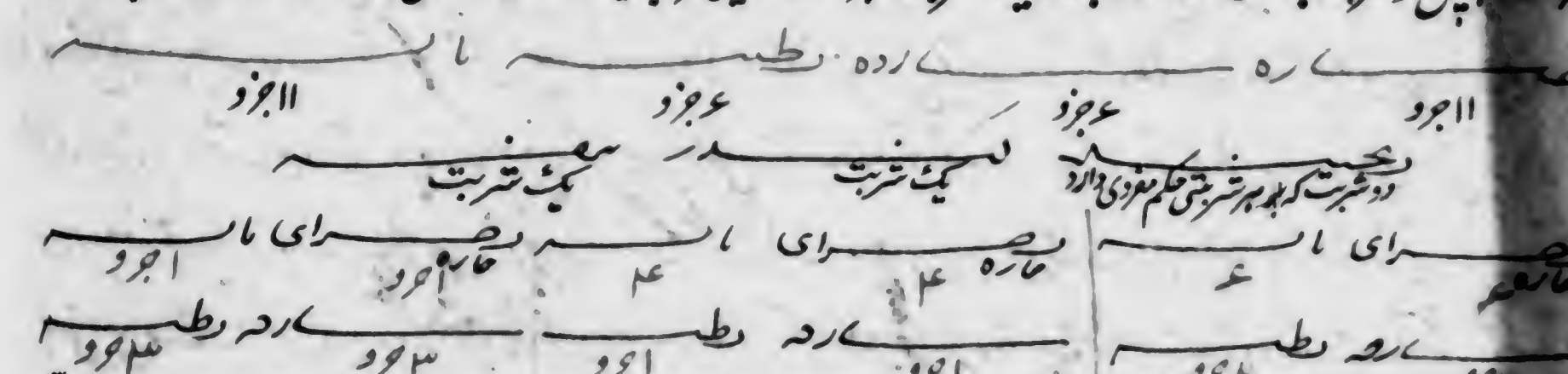
[illegible]

از هر یک سه مثقال است و مثقال شکر یک مثقال و مثقال نمک یک مثقال و مثقال گندم یک مثقال و مثقال برنج یک مثقال و مثقال...

نوشته است که این دوا را در هر روز سه بار بخورند و هر بار یک قاشق غذاخوری و اگر بیمار در وقت خواب بخورد بهتر است و اگر بیمار...

در وقت خواب بخورد بهتر است و اگر بیمار در وقت خواب بخورد بهتر است و اگر بیمار در وقت خواب بخورد بهتر است...

نوشته است که این دوا را در هر روز سه بار بخورند و هر بار یک قاشق غذاخوری و اگر بیمار در وقت خواب بخورد بهتر است و اگر بیمار...



نوشته است که این دوا را در هر روز سه بار بخورند و هر بار یک قاشق غذاخوری و اگر بیمار در وقت خواب بخورد بهتر است و اگر بیمار...

بنای سقنقور هینو در ششون از هر یک چهار مثقال و نیم انیسون و چ فو تو سکنج اسارون از هر یک سه مثقال صوغا در سر که یاد و شر
مثقال غنیا تید و با سه وزن اود و یعل بسر شند و قدر مثقال مقدار باشد که صوغا به پوشا ند و بدل سقنقور ماهی رو بیان
آن با سکه صید کنند و حیر قرض افی را بهتر میداند و بدستور بهیر مایه شیر را و بعد از شش ماه استعمال نمایند چون جت لبسان و عود
آن مفقود الوجود اند بدل جت نیم وزن او حب الفار و بدل عود او نیم وزن زرا و ند طول و بدل سقنقور سکه صیدا و بدل روغن بلسان
ترب کرده و بغایت مؤثر یافته است نسخه دیگر که معمول است نیم فاضل مسقوعا و الدین محمود است و با نسخه کامل الصناعته
دارد و مرصاف کثیر از عرفان زنجبیل و ارچینی از هر یک ده م سنبل الطیب کند و در دل ایضا و در عود و لبسان صمغ البطم قسططی
سیسالیوس و در فلفل چند صغاره هوفطیه اس که لحیة التیل است میعیه یا به سه جا و شیر سافج بندی از هر یک هشت م سیخ فلفل
اکلیل الملک جوده شوم بری و دو تو انجم جز برتری روغن بلسان و فو یون مقل از هر یک شش م اشق ناردین نیم گرم کرفس حبیب مصطکی فطر
افیون از زیانه کل سرخ خطبیا نامستطک شمع از هر یک پنج م صفت تریاق الافاعی که رفع سمیت هوام میکند و الطبای سابقی جای
که هر که در و باد بعضی اوقات بقدر نیم مثقال کلاب و یا در شراب و قایم مقام آن تناول نمایند بیشک و شبیه رفع اذیت و با و تب
میکند و بغایت مجرب دانسته اند و از جالینوس منقولست که در سال و بای آن عصر هر که استعمال نمود سالم ماند صبر زرد و جوهر زمرد
از هر یک یکم و نیم و تریاق اربعه اول ترکیبی است و تریاقات در سیم کرم و در دوم مشک محلول ریاح و فلیط و صمغ حبک و سپر و فنج سده و در
و آنچه از جته برودت محبتش شده باشد و تریاق سم مار و عقرب و مورث صدا و دود و مصلح شش شیر فرفره و قدر شش تیش تا یک مثقال و قوت
باقیت و بدلتش نصف و زرش سر و دیطوس است صفت آن خطبیا حباب القار مرصاف زرا و ند طول و بالتسویه عسل سه وزن و در
معروف کشف الهموم منقول از تذکره معتدل یابن حرارت و قوتش تا بیست سال باقیست و شش تیش از یک مثقال تا سه مثقال منقوع و با
سموم و مقوی باه و جته بخون و صمغ و مالچو لیا با آب مرزنجوش استعمال نمایند و جته لقوه و فالج و امراض بارده و ماغی و عسر بول و سنگ
با آب کرفس و یا آب ترب و جته منیق النفس و سرفه و نفث الدم و خفقان و ضعف معدة که از حرارت بوده باشد با آب کاس
از برودت باشد با کلاب و جته استسقا و سپر و یرقان و قونچ با آب انیسون و جته بوا سیر و امراض مقعد با آب عناب و جته
و نقرس با آب پنجه کبر و از زیانه و جته سموم و جذام با شیر تازه خاشیده و جته برص و بقی با ماء الحسل بنوشند و طلای آن در امراض
اورام نافع است صفت آن پوست ترنج و نیم آن از هر یک ده مثقال جت القار خطبیا ناسنبل الطیب مر یا فلفل
هفت مثقال زرنب در و نیم اطریال برسن سرخ و سفید انیسون از هر یک سه مثقال زرد که بر با از هر یک ده مثقال عود و هندی
مثقال یاد هر معدنی سیزده و آنکه مروارید چهار مثقال عود را در پست و شش مثقال کلاب بایند و یاد زهر را در آن حل کنند و هندی
بگذارند و مروارید را در شیشه کرده آب ترنج را در آن بریزند و سر آنرا محکم کرده در حمام بگذارند تا حل شود و بعد از حل شدن با عود
محلول مخلوط سازند و سه وزن اود و یعل بقوام آورده را در آتش نرمی بگذارند و محلول را کم در آن ریخته بر هم زنند و بعد از آن
افزاده کرده بعد از شش ماه استعمال نمایند و آتش آن باید بقدری باشد که بخوش نیاید و اگر فاد زهر معدنی بهم نرسد فاد زهر حیوانی

سید ذوالکرم

و قراط کند تریاق ابو هر و معاجین مذکور است فصل دوم در معایر یا رجات ایاج لوغاف یا ایالوج بخته تینانی یعنی دوائی الهی
اسم است که بمشیت الله تعالی غوص او در عروق میشود و تنقیه غلط مینماید و مقدمات شرط دانسته اند که آتش آن زرد و با عسل شسته
شود و قوتش تا چهار سال باقیست و گویند تا سی سال و قدر شربش از نیم مثقال تا چهار مثقال با آبی که در آن بسفاج و زوف و فستیمون
کامل و کل کار بان و اسطوخودوس از هر یک بقدر حاجت جو شایسته باشد با یکدیگر بهم ملج نفعی استعمال نمایند گرم و خشک و جهت بزرگ
در صرع و جنون و داء الثعلب و داء الحیة و عسر نفس و استسباس حین و داء الفیل و درد معده و بکر و کرده و مفاصل و عرق النساء و نفوس
و شش و در عشه و جوع کلبی و در دمانه و قروح او و ثقل سامعه و در سر من کوسه غلط محرق و از ج و دوائی بخی و سودا و بر امفید است
نیم مثقال غار یقون اشق خرنوبه سقونیاه بنید قاریقون از هر یک ده مثقال افیمون بسفاج مقبل مسکون
سلیخه از هر یک هشت مثقال دار فلفل سیاه و سفید و اچینی زعفران جاوشیر سکیج چند قطره اسالیون را در
از هر یک چهار مثقال با عسل بپوشند بعد از ششاه استعمال نمایند و در بعضی نسخ عصاره فستقین حب القار از هر یک دو مثقال قوم برده
ن بسفاج اسقیل مشوی جوده مرصاف سنبل هندی جطیلانا اسطوخودوس نجیبیل حماما جاشا از هر یک دو مثقال نیم اضافه
ایاج نیادریطوس الاکبر که قبل از زمان جالینوس تالیف یافته مستمی باسم پادشاه آن عصر و قوتی از سایر ایاجات و اعدال از ایاج
مادر و شربش تا چهار مثقال با مطبوخ شربت غار یقون و سایر ادویه مناسبه هر غلیظ آن سهمل نافع است از برای سوء المزاج بارد و آب
معده و طحال و کرده و دمانه و استسباس حین و قولنج و امراض عتیقه و جهت دفع فضول غلیظ از جود سیان و ظلمه بصر و عسر نفس و جهت تنقیه
عروق فاسد و تسخین و تقویت و تعدیل آن آزموده و جهت تحلیل ریح و سده بکر و سپر زرد و در سین و پهل و جثا حاض و استسقا که از غلیظ برده
شد و وج کرده و جمیع انواع درد سرد و جذام و بصر و خناق بلغمی و لقوه و عشه و فالج و تقویت حرارت غریزیه نافع و لغایت صغفرا نافع و در
سی سوزنه و بلغم متعفن فاسد و کما از زده غلیظ از که کما و جهت نیکو کردن رنگ خسار که از نقصان خون باشد و استسباس خون که
مادر عروق بهر سرد و جهت اسهال و تقویت بدن آنها مفید و مرکب است از ادویه کبار و مختار آن و سوطه عقدا علی عدسی از برای صرع و لقوه
شاه و ابنی بن عدی است صفت آن صبر قوطری غار یقون اسقینام زعفران و اچینی و ج مصطکی و هین البسان که در فزون
ن غلیظ اسقینام و اسود جطیلانا قیاح از هر یک نصف المکره کما در یونس افیمون یکدم قدم اسارون سلجیه عود البلسان حب البلسان
و زعفران و لطف سقونیاه سبیل الطیب سم نیم و نصف موم حماما یکدم با عسل بپوشند بعد از ششاه استعمال نمایند و در مختار آن هبل ترنج
نده ایاج فقیهرا بلغمی و نانی و تنقیه کلبی تخت و از تالیفات بقراط و نافع است در امراض سره و رافع ابجود داغی است و نفعی در
ماده جوب سهله و گویند مفر کرده و مصلحتش غراب و قدر شربش تا دو مثقال و قوتش تا دو سال باقیست صفت آن کل سرخ مصطکی
القیب عود البسان حب البسان سلجیه و اچینی اسارون از هر یک جری مبر زرد و چندان مجوعه کوفته و بخته اگر به تهرای استعمال
شود بپوشند و اگر ماده جوب کنند بدون عسل استعمال کنند ایاج جالینوس منافع او مثل منافع ایاج لوغاف یا ایالوج و جهت قوی و سرد
و ان تقطیر البول النفع از دست و در بقای قوت و قدر شربش و طریق استعمال و بدستور ایلاج لوغاف یا ایالوج است صفت آن کل

21
والى ارجع الى الفيلسوف
فمنع من رجوعه

کتابخانه عمومی
موزه و کتابخانه
موزه و کتابخانه

اینکه موافق نسخه کامل و قدیم
بسیار بی نوشته شده
با اضافه مرصاف
۱۲

نقشه حقوق

حرق شش در هم خم سداب و نانخواه و شکوفه کرفس از هر یک چهارم کل سرخ مشک اصل الکچر نیم یک ششتم نمک قلع زریق
 لبسان قصب الزریزه سلیخه زرباد و درج شیطیح هندی از هر یک دو استار بذرا بنج الابيض نه استار و دو در هم پنج کرفس سداب
 نیم خم خورده اساتیر حبت الخوخ و قشر شست اساتیر کبریت الصبیخ اساتیر معنی عربی میعد سداب سداب سداب و دم جند پیدتر سداب
 و چهار دانگ و بوق منقح اساتیر و چهار دانگ و دمانش اساتیر سافج هندی سه اساتیر و چهار دانگ قاقه کبار یا فند و از ان
 و قرقفل ذکر پنج اساتیر قرقفل انشی سه اساتیر افرو و دچان دو استار و دوم قرقه دو استار و چهار در هم و اوید ناسفت
 استار و یک در هم زوفا و مرارة البقر از هر یک دوم زرا و ند طولی اساتیر زنجبیل لعل اسفنج از هر یک پنج اساتیر اطوط بعضی گفته اند که گمان
 است بوزیران از هر یک دو از ده هم سور بارو که نارنگ است دو استار و دوم و چهار دانگ بهمن سرخ و سفید از هر یک دو استار
 دانگ مرارة الذئب و مرارة الذب و مرارة الغراب از هر یک یک هم اوید را نیم کوب ساخته و صمغ و در شراب غوطه خورده تا
 بعد از آن اوید را نیم کوب مذکوره را پنجه بران ریزند تا همچو لعوق شود و در ویک سنگین پاکیزه کرده بعد از پنج شش خوش از بالای
 بر و از نو و سر و کنند طلیح الصبغ العربی بکیرند کفتر لک ماده پرنده را و بر بندند دست و پای آن را بعضی بعضی و پند
 مس و بریزند بالای آن ترس اسفنج شست از هر یک یک کف و آب شیرینی بقدر حاجت و سر و یک را برپوشانند و با شش نرم بریزند تا
 دو و بعد از آن از آتش بکیرند و سر و کنند و شورای آن را از پوست و استخوان و موی آن پاک نمایند و باز شورای آن را در ویک پاکیزه
 ریزند بران از روغن لبسان و روغن نار دین از هر یک یک سرکه و با شش نرم بریزند تا تلشش باقی بماند بعد از آن اصل بقدر شورا
 سه بریزند تا آتش همچون قوام عمل غلیظ گردد پس بریزند بران اوید همچون را و سر و کنند و از آتش برداشته و ظرف شیشه گذاشته و قش
 بعد از ششماه استعمال نمایند و قبل از ششماه اگر استعمال کنند نمک خواهد بود و قنارغان الا صخر حبت لبسان کنش حماما
 پنج فلح آشنه سلیخه شوق لبان ذکر اصل السوس الملکوک عیدان البلبان شحم خنظل زنجبیل یکج جاوشیر دار مینی جند پیدتر سداب
 شش بندان شیطیح هندی شحم انرج و کز و دبا و زرا و دند و مرج و قاتل ابیه سکرو حبت القار و ده دم الاغون از هر یک دو دم زعفران لعل زرا بنج از
 ده دم فیون هفت هم قرقفل و قرقفل سافج هندی و شحم الککرنه خربق پیض مرارة الغیل و قسط المراز از هر یک چهارم طلا و نفقه سائید
 یک دو دانگ فیون یا زده هم ابریشم خام ملج هندی لبسان ذکر و کبریت بحری سوخته و قندهار شنبه که پاک کرده باشند از دانه
 و قرقفل و طلا و یغرو و پنجه نشاء دانه و برنج کابل نانخواه و صغره فارسی و پنج زوفا و حب الکبار از هر یک یک هم اوید را کوفته و پنجه و صمغ و غرا
 بر ریختی گنه غیسانیده با سه وزن اوید عمل کف گرفته بسپیشند و بعد از شش ماه حاجت استعمال نمایند اصفه سلیم جته مرقه سودا
 بمیان و در درج صفت آن لعل اسفنج و زنجبیل ملج هندی و قسط المراز از هر یک شش هم فیون و فیون و جند پیدتر و زعفران و قرقفل
 و قرقفل و زهر یک نیم هم سعد و زهر جشان و فاشرستین که شش بندان است و زرباد و در و دچ و زرا و ند طولی از هر یک دوم و ده هم
 ن و ماء الکافور از هر یک چهارم اوید را کوفته و پنجه و بر روغن لبسان و ماء الکافور چرب نموده با سه وزن اوید عمل کف گرفته بکیرند
 تا حاجت بعد از ششماه استعمال نمایند و سوط آن مثل عدسی بآب مرزنجوش نافع است کل کلاب الحاکم و فیون هندی است جته

کند ز فرخنده سینه
و من الامیر

زرنباد دروچ کافور
سرمه خلیل الله
مشک دانت

معده و تنهای کینه و خشمی و غلبه اخلاص در برض و هشی و باده و سرخ طرب و قروح شش و عطش و زهر باد و سردت بدن و بواسیر درد و سپر زد و دل
و زرداب و امراض زمینای آفتن و اشتمای طعام نافع و قوتش پانچ سالان اقیست صفت آن بلبل سیاه و بلبل شیر آملج دانه پیرون کرده
و فلعلیه و تخم کرفس و شیطیح هندی و فلفل دالان العصاره و زیره کرمانی و هندی که شویند است و سفید قل و بعضی گفته اند که ششغال را
و بلبل زانی و هندی و همچنین بلبل الحبین سیاه و سرخ و ناخواه از هر یک سه مثقال ترید سفید یک رطل ادویه لاکوفته و پنجه بشیر آملج دانه
کرده سه رطل در لیست و چهار رطل آب شیرین با آتش معتدل به پزند تا باقی ماندنش و از آتش بگیرند و صاف کنند و فلفلس را بیند
و مگر سفید چهار رطل بان ریخته با آتش بگذارند با آتش همواریزند حرکت دهند تا شکر کداخته شود و غلیظ شود مثل عمل و روغن شیخ تازه
بر رویخته حرکت دهند تا باب فروغ شود و از آتش گرفته ادویه کوفته شده را بروی باشند و بنزد آمدن مزاج شود و در ظرف چینی گذاشته
حاجت استعمال نمایند قدر شربت ارزان سه مثقال یا چهار مثقال است کلک کلک الی الا اخر منافعش مثل منافع اکبر است صفت
بلبل هندی بلبل شیر آملج دانه پیرون کرده فلفل و فلفل شیطیح هندی و مسبر و زنجبیل ابرنج تخم کشمش خشک ناخواه فلفل
تخم کرفس دالان العصاره زیره کرمانی و اطوط از هر یک پنج درهم بخار شنباز دانه پیرون کرده ملج هندی و قرقه و سافج هندی و پهل
آن آشوبلست و اگر یافت نشود در عوض آن قاقله کبار است و حب التوت از هر یک سه م ترید سفید روغن شیخ از هر یک
سکر سفید صد و بیست استار مویر دانه پیرون کرده دو لیست و پنجاه استار آب آملج ده رطل مخلوط سازند بر مذکورات صفت
ماء الالمج شیر آملج دانه پیرون کرده سه م مویر دانه پیرون کرده شش م را با جمل رطل آب به پزند تا نارغش ماند آتش را صاف کردند
پاکیزه بریزند و شکر ابران انداخته با آتش نرم به پزند تا شکر کداخته شود و مثل عمل غلیظ شود پس ادویه مرقومه مشقوه را بر رویخته در بال
آتش حرکت دهند و بعد از آن روغن شیر جرا نیز ریخته بهم زنند تا خوب فروغ شود و مثل خمیر کرد و از آتش بگیرند و سرد کنند و در ظرف
یا چینی گذاشته وقت حاجت استعمال نمایند چون شلیل ساجه مرهم و سکه و فالج و لقوه و تشنج و سیان و لرزشه و خوف و حث
و حققان و خیال فاسد و تغیر عقل و درد اندرون و شش و باد های لطیف و درد معاصل و نفوس و درد رحم و دوراد و سقوط جنین و جهت نگذاشتن جنین
در شکم امهات و سقوط از ان صلاء و شقیقه را بسیار نافع و این معجون را ابلیله و بهبه مینامند صفت آن مسک خالص و حماما و هیله
و البلسان و فریبون و اشنان قطبی و تخم کرفس و تخم سداب و اشنه و کبریت اصغر اختاء البقر حبلة و اختاء مرغیله و کافور و خرزوق سفید
دمیعه سائمه و سعد و امیران چینی و تخم ملیون و بد اسفغان که کف الکلیب است اصابع صفرو نیچ کا سنه و حب المحلب و عیدان و
برگشت و فردال اسپن از هر یک دوم دروازیدنا سفته و زرعفران و سافج هندی و سیخه و بق غیر مقشره و جوز بواد و فقاخ الاذخر و جند سیاه
و تخم جبر و تخم زوفر از هر یک ده درم و طلا و نقره سائیده و زرنب و حب البلسان و شویند و فواج الاساکفه و فرغ الثعلب و پوست
هریک نیم ابریشم خام غیر محرق و فلفل سفید و زنجبیل و پنجه شبت و تخم شبت و خطیطا و نافه الاذخر دالان العصاره و ملج هندی و
فارسی و عاقره قرحا و زراوند مرجم و بندق هندی و اهل و قفر الیود و هزار حبان شنبذان از هر یک چهار درم و فلفل سبل القلیب
و عیدان اصل بود هندی نو پرسیا و شان و قاقله از هر یک سه م پنج سوکسل آسمان جوئی و بسجا سه و خاک چهار راه و ماء السوس و ماء الکلی

این شهر زو و ملک او
 قهر و کفر از ارض برده
 می چون آب صفیان
 با فضل سیاه و انفس
 در دست خود میبرد
 که مثل قند سقید
 در دهان او نشسته
 و او همی بفرشته
 در مقام ص

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

子

صفة انم

بسم الله الرحمن الرحيم

در معال که از آن درون و از آن قبل از آنکه در حلقه نشاند بار و من کل خوشایند روعن آن را که بر نوبت بعد از آن با عمل بخور
 معجون منقول از معال از این معجل در تقویت باه و تولید منی بغایت آرموده است تخم تریتیک تخم یونجه مغز جلیغوز و از هر یک
 شغال پنج شغال بوزیدان خصیه الغلب از هر یک چهار شغال حلیت شش شغال روعن نارچیل ده شغال ادویه نارچیل
 نارچیل چرب کرده با شصت شغال قند معجون کنند و اگر عمل قند بالما صغ باشد بهتر است قدر شتر شش و شغال قلیه زرد
 و تخم بخت و امثال آن تنا و نمایند معجون راجح المؤمنین که تالیف حقیق است معتدل بل بطوبت جهت تقویت باه و اشتها
 طعام و تفریح مفید و نفع میکند جهت سعال و زلزله و سوء النفس و خفقان و غیره و اصلا او را مفرغ نیست و به تجربه رسیده نشان الشو و خفقان
 از هر یک پنج شغال شغال پست شغال تخم خرمه شغال نارچیل و اگر پستی جبهه بر کبار از هر یک ده شغال جوز بوا کثیر اصل السوسل لاس
 از هر یک چهار شغال ادویه را کوفته پنجاه شغال پوست خشخاش را جو شاییده صاف کرده و پست و پنج شغال شیر خشک را در آن کوف
 نقلش با پیاز و زرد پس با عمل آب سیب شیرین صد شغال و آب زردک صد و پنجاه شغال بقوام آورند پس با ادویه سرشته
 و نیم شغال مشک بران بپاشند و اگر خواهند بدل خشخاش اصل شوکران که پنج نفی گویند و یا پنج شیبی و بر یک شیرازی و
 آن بقدر لایق اضاف نمایند معجون سرور تالیف حقیقه مبتی و مستی و هانم و بان شاعه و مقوی اشتها و مفرغ و جهت سرفه و آلات
 تنفس نافع و در اوایل و نیم گرم و مایل بطوبت و موافق اکثر افرجه است جوز بوا بنفشه از هر یک شش شغال با هم باید کوبید و با روعن
 با دام و شغال زنجبیل را کوبیده چرب نمایند و از پستی اسارون لسان العصا نیز از هر یک دو شغال و عود قاری و قنفل و فنجان
 سرخ و سفید انیسون از هر یک یک شغال خصیه الغلب پست و دو شغال شغال پست و پنج شغال و اگر مر با باشد بهتر است کثیر
 نفع خشت مک و دو شغال عمل گرفته هفتاد و پنج شغال و شتاب زردک هفتاد و پنج شغال اگر دو شتاب زردک نباشد عمل اصد و ده شغال
 باید کرد و معجون قصل افی جهت تولد و شاصل حرب و بغایت مبتی و مقوی و موافق بار و المزاج و پیران و حافظ صحت ایشان
 امراض عصبانی و رقبه منی و نیکو کردن رخسار و رنگ و تقویت هانم و تفریح و رفع و خشت سوداوی نافع است خصیه الغلب و از پستی
 زنجبیل از هر یک شش شغال کبابه و قنفل از هر یک یک شغال مغز شتر معز بادام شیرین نارچیل مقش و شش شغال از هر یک
 دو شغال بر شش مفرغ شسته انجدان و پیرمایه شتر اعرابی تخم کرفس تخم یونجه تخم بلون تخم کرات تخم شلم تخم خیار تخم قبیط تخم جرجیر بوزیدان
 جد و از جلیغوز کبابه صغار تخم ترب فنجان قرفه توری سرخ و سفید و سرخ و سفید تخم زردک مغز حب الغل مغز حب البن جهت الحار
 و حب البطم نیز گویند فلفل لسان العصا فیصل العصل المشوی خشک مرتبی خردل عاقره از هر یک یک شغال غبر شش شغال از هر یک
 دو شغال زعفران ده شغال و رقیق نوره ده شغال و رقیق طلا یک شغال قرض افی عشر ادویه عمل کف گرفته و فلفل ادویه سرشته فلفل
 پنجه در مفرجات مفرج عبارت از ان چربیت که شش باشد بر تصفیه نفس که عبارت از روح حیوانیت و قوتها و فکر و تقویت آلات
 آن جهت ادراک بالنفس مجر است و هر چند آلات قوی باشد و از کدورات بعید و جوامع باطنی و ظاهری صحیح باعث ادراک عیشت
 که در این تفریح بسبب هر یک از قوتها با افزوده میشود و شش نهاده ملایم طبع از قوت سامعه و بوی و بر سبیل از دوا و جلیغوز

48
 49
 50

نفس را از شغل غلبه باز داشته مشغول اعلم بخور و دوا و رنگ کمال که در تفریح و تقویت و در کمال لذت و تفریح و تقویت و در کمال
 تقوی هر یک از قوتها که در مفرج مجازی و در ان هر چند اسباب مجتمیع باشد تفریح باشد و بود و تقویت و تقویت و تقویت و تقویت
 بدن سامعه طامات قوه سمع و دیدن مقبول با مره و آشنامیدن لذت ذائقه و بوییدن طامات شامه و احساس کفیات معتدل و طبعه و ادویه
 جرجینه طامات حسی شکر و خیال دریافت معانی جرجینه موانعه و هم و ترکیب مناسبه بخنده در ان و حفظ معانی جرجینه مانوسه حافظه و حقیقت
 و تفریح و قوتهای غایبه و موله پس در تفریح مفرحات وجود امور مذکوره شرط است و حسب تفاوت اشخاص تقویت قوتهای بدن متفاوت
 مفرحات متعدده ترکیب یافته مفرح یا قوتی شایع بود علی که در ادویه قلبیه ذکر کرده و فی الواقع ترکیب بسیار شریف است و مکرر از حق و اولی
 مفرحات مجوده و بانگ تفریحی در زیاده و کمی موافق جمیع افرجه است جهت توش سوداوی و انواع مایه و لیا و تفریح و نشاط و تقویت اعضاء رئیس
 ناقصین و اکثر امراض معده و خفقان بغایت نافع است قرض و معجون استعمال میتوان کرد و مراد یکد که باسد یک شغال و نیم بر شش مفرغ
 ان خرق نهی که از هر یک یک شغال و یکد آنک که طامه طلا و دوا آنک لسان الشیخ تخم یاقوت یک تخم فربخش یک تخم بادرنجبویه یک تخم کرات
 یک تخم سیم بهمن سرخ و سفید و عود و بندی جرجینه لاجورد و فلفل مصطکی سیخ و از پستی زعفران هیل قافله کبابه باسد از هر یک یک شغال
 و یک تخم نیم اسطوخودوس سه ممد و از یک شغال اگر نباشد زربا و عود و آن یک شغال بقدر سر شغال و روعن رومی و دو شغال تخم کاسنی نیم تخم
 شغال زنجبیل ده ممل سرخ چهارم مشک و دو شغال کافور یک شغال غیر یک شغال سبل سافج از هر یک دو ممل این ادویه اصل و غیره است
 قرض کنند جهت معتدل المزاج قرض یک شغال و کاه بعمل ترکیب کنند و هر نوع که سازند جهت معتدل المزاج تغیر نهند و اگر خواهند که بعد از تخم
 مزاج استعمال نمایند در و پنج شغال فینون و پنج شغال چند بیدسته هر دو با هم سوده معجون نمایند و این زمان البته بعد از شش ماه استعمال
 از او خال فینون حفظ مزاج مرکب است و ادخال چند جهت اصلاح فینون است که مرکب باز بعد از ادخال فینون بر اعتدال خود باشد و اگر کسی را سؤ
 حار غالب باشد میباید که زعفران و مشک این ترکیب را نیم شغال کنند و فینون کم کرده بدل چهارم سناء علی قسط یک تخم شاه تره یک
 تخم نیم کنند و درین ترکیب یک تخم کل سرخ و هشت درم تخم خرفه و هشت درم طباشیر و دو تخم کاه و دو تخم صندل و انما سازند و باقی ادویه
 خود بگذارند و به دستور یا قرض سازند و یا معجون نمایند و اگر کسی را سوء مزاج بار غالب باشد واجب است که در ادویه قشور بوا که آن
 است و قشور اترج و عود بلان و زنجبیل و فلفل سه ممد بیدسته و دو شغال و وزن کافور نصف شغال کنند و اگر صاحب مزاج حار یک
 تخم ازین ترکیب بایک شغال طباشیر و رب سبب بخورد و صاحب مزاج بار و شتر تی از و باطسوی چند بخورد کافی باشد و احتیاج
 به تبدیل اصل این نسخه نیست و در حرم حکیم محمد باقر میگوید که من بعضی از ملوک را علاج کرده ام و درین مایه لیا که به تجربه نمائید باشد و با این معجون
 نسخه معتدل این ترکیب یک شغال با قوت رمانی اضافه کرده ام و نفع عظیم مشاهده شد مفرح حار جهت خفقان و مایه لیا و هشت و هشت
 ده و شش و هفتم طعام نافع است و موی را سیاه دارد و رنگ رخسار را نیکو گرداند و با درنجوبه قشور اترج و قنفل قرفه زعفران مصطکی
 قافله کبابه نار شش سبک همچنان زربا در و تخم بادرنجبویه یک تخم فربخش یک تخم کاسنی نیم تخم کاه و دو تخم صندل و انما سازند و باقی ادویه
 سی عدد را در سرطل آب بجوشانند تا یک طلع ماند و بعد از ان صاف نموده یک طلع عمل بریزند و بجوشانند تا آب بسوزد و عمل نمایند و بعد از ان

نفس را از شغل غلبه باز داشته مشغول اعلم بخور و دوا و رنگ کمال که در تفریح و تقویت و در کمال لذت و تفریح و تقویت و در کمال
 تقوی هر یک از قوتها که در مفرج مجازی و در ان هر چند اسباب مجتمیع باشد تفریح باشد و بود و تقویت و تقویت و تقویت و تقویت
 بدن سامعه طامات قوه سمع و دیدن مقبول با مره و آشنامیدن لذت ذائقه و بوییدن طامات شامه و احساس کفیات معتدل و طبعه و ادویه
 جرجینه طامات حسی شکر و خیال دریافت معانی جرجینه موانعه و هم و ترکیب مناسبه بخنده در ان و حفظ معانی جرجینه مانوسه حافظه و حقیقت
 و تفریح و قوتهای غایبه و موله پس در تفریح مفرحات وجود امور مذکوره شرط است و حسب تفاوت اشخاص تقویت قوتهای بدن متفاوت
 مفرحات متعدده ترکیب یافته مفرح یا قوتی شایع بود علی که در ادویه قلبیه ذکر کرده و فی الواقع ترکیب بسیار شریف است و مکرر از حق و اولی
 مفرحات مجوده و بانگ تفریحی در زیاده و کمی موافق جمیع افرجه است جهت توش سوداوی و انواع مایه و لیا و تفریح و نشاط و تقویت اعضاء رئیس
 ناقصین و اکثر امراض معده و خفقان بغایت نافع است قرض و معجون استعمال میتوان کرد و مراد یکد که باسد یک شغال و نیم بر شش مفرغ
 ان خرق نهی که از هر یک یک شغال و یکد آنک که طامه طلا و دوا آنک لسان الشیخ تخم یاقوت یک تخم فربخش یک تخم بادرنجبویه یک تخم کرات
 یک تخم سیم بهمن سرخ و سفید و عود و بندی جرجینه لاجورد و فلفل مصطکی سیخ و از پستی زعفران هیل قافله کبابه باسد از هر یک یک شغال
 و یک تخم نیم اسطوخودوس سه ممد و از یک شغال اگر نباشد زربا و عود و آن یک شغال بقدر سر شغال و روعن رومی و دو شغال تخم کاسنی نیم تخم
 شغال زنجبیل ده ممل سرخ چهارم مشک و دو شغال کافور یک شغال غیر یک شغال سبل سافج از هر یک دو ممل این ادویه اصل و غیره است
 قرض کنند جهت معتدل المزاج قرض یک شغال و کاه بعمل ترکیب کنند و هر نوع که سازند جهت معتدل المزاج تغیر نهند و اگر خواهند که بعد از تخم
 مزاج استعمال نمایند در و پنج شغال فینون و پنج شغال چند بیدسته هر دو با هم سوده معجون نمایند و این زمان البته بعد از شش ماه استعمال
 از او خال فینون حفظ مزاج مرکب است و ادخال چند جهت اصلاح فینون است که مرکب باز بعد از ادخال فینون بر اعتدال خود باشد و اگر کسی را سؤ
 حار غالب باشد میباید که زعفران و مشک این ترکیب را نیم شغال کنند و فینون کم کرده بدل چهارم سناء علی قسط یک تخم شاه تره یک
 تخم نیم کنند و درین ترکیب یک تخم کل سرخ و هشت درم تخم خرفه و هشت درم طباشیر و دو تخم کاه و دو تخم صندل و انما سازند و باقی ادویه
 خود بگذارند و به دستور یا قرض سازند و یا معجون نمایند و اگر کسی را سوء مزاج بار غالب باشد واجب است که در ادویه قشور بوا که آن
 است و قشور اترج و عود بلان و زنجبیل و فلفل سه ممد بیدسته و دو شغال و وزن کافور نصف شغال کنند و اگر صاحب مزاج حار یک
 تخم ازین ترکیب بایک شغال طباشیر و رب سبب بخورد و صاحب مزاج بار و شتر تی از و باطسوی چند بخورد کافی باشد و احتیاج
 به تبدیل اصل این نسخه نیست و در حرم حکیم محمد باقر میگوید که من بعضی از ملوک را علاج کرده ام و درین مایه لیا که به تجربه نمائید باشد و با این معجون
 نسخه معتدل این ترکیب یک شغال با قوت رمانی اضافه کرده ام و نفع عظیم مشاهده شد مفرح حار جهت خفقان و مایه لیا و هشت و هشت
 ده و شش و هفتم طعام نافع است و موی را سیاه دارد و رنگ رخسار را نیکو گرداند و با درنجوبه قشور اترج و قنفل قرفه زعفران مصطکی
 قافله کبابه نار شش سبک همچنان زربا در و تخم بادرنجبویه یک تخم فربخش یک تخم کاسنی نیم تخم کاه و دو تخم صندل و انما سازند و باقی ادویه
 سی عدد را در سرطل آب بجوشانند تا یک طلع ماند و بعد از ان صاف نموده یک طلع عمل بریزند و بجوشانند تا آب بسوزد و عمل نمایند و بعد از ان

و اما از ملا محمد علی شایبانی
توسنی تون
در کتب و در دست نوشته
صبر و در دست نوشته

جبلعم زرداب

در باب صبر ۲۴ م استیمون ۱۲ م مقنونیاسته سنبلیله تر بد مصطکی ۴ م زعفران مسهم غار لیون ۴ م حلاکت ۴ م باب حب
دوم باب کرم حب السکیخ از جالینوس است جت امراض بارده و استسقا و قوی و لقوه و فایده بلبلات لشد
مشغال بنجیل دار چینی ۵ مشغال فلفل دار فلفل سارون ۵ مشغال تخم کرفس ناخواه ۵ و سنبلیله مشغال شیطح حب البسمان ۲ مشغال
غار لیون ۱۰ مشغال شکر طرز ۲۰ مشغال صبر سقوطی ۴ مشغال غار لیون ۴ مشغال کوفته آب کند نابرو پاشیده بگویند باقی
لطو ساخته مثل فلفل جهاب از دشر بتش یک م و نیم باب نیم کرم وقت خواب نادر مشغال قبل از استعمال و بعد از وقت استعمال
بهر نایده حب قیصر که حب ذهاب نیز گویند از معالجات بقرطی جت تقویه معده از رطوبات و تقویت آن و چون تناول کنند
عام هر روز یکبار از رطوبات لزجه اخراج میفرماید و معده را ضعیف نکند ناخواه زیره کرمانی کر یا انیسون هلیج اسود طح فلفل یک م
۴ م صبر سقوطی مثل همه باب و ورق التریخ خمیر نموده جهاب سازند و هر جی یکد آنک نادر و آنک حب الدیدان الطوال و حب البلیح
و فلفل بعضی برنج کابلی مقشر قنبیل طح هندی ۵ تر مس عرشیخ ۵ اتر بد ۵ اقطه و مر صاف ۴ م شربت شام باب راسن تر حب الما خولا
۴ م استیمون ۴ م جرج لاجورد غیر مغسول غار لیون ۴ مقنونیام ۴ و فلفل بحر ۲ عدد باب به شیرین حب کرده شربت شام ۴ م مشغال
رق النساء قیصر تجربه نموده و بسیار مؤثر یافته و رازی میگوید که در ساعت رخ میکند و چند نفر از ایران که یکسال این آزار داشته اند
بوده است از جانبی بجانبی گردن باین حب معالجه نموده ام و پنج شش اطلاق میفرماید و مجموع یک شربت است صبر سقوطی هلیج صفر
ان از هر یک یکدم جهاب سازند حب مسهل جت حیات و رفع صفر بسیار نافعت منقول از عای کبیر عماره الغافت
الافستین و مصطکی و هلیله زرد و کل سرخ مساوی یکدیگر از هر یک جزوی صبر سبز و مقنونیام و دشت جزو شربت شام یکم و نیم نادر
بسیار شاه تره و هلیله زرد و حب لاجورد جت اسهال صفراوی فلیط و سودا و بلغم از فخرات حقیر است لاجورد غیر مغسول مصطکی
پوست هلیله زرد و بنباج پوست هلیله کابلی غار لیون سفید تر بد خلکوک صبر زرد اسطوخودوس و عود قاری سناء کلی کل نقشه
ون کثیرا کثیرا نیم مشغال باب سیب حب ساخته از دول ناسه و تنا و نمایند حب البلیح ۴ م بلغم هندی معنی دانداست منقول
از هند جت اخراج بلغم و صفراوی صوفیه و فلیطی از سودا و رطوبات غلیظه از غرق بدن مؤثر و عمل آن بقی و اسهال است حب
لین حاکم که در دستورات ذکر شده هلیله سیاه از هر یک بحسب عدد مساوی هم آرد و پنج سفید برابر هر دو نرم کوبیده باب لیون باب
ب سازند بقدر رفتن و یکی در کوبیده و در و شب حل کرده بر بالای نخود آب و شور بای چوب بخورند حب قیصر ۴ م جت
باه خصیه الثعلب خولیان پیرایه شسته و صاف بنجیل خردل سرخ کشتن خرما با کلاب حب سازند حب منشط از الیاف
۴ م اسارون سنبلیله الطیب زعفران مصطکی زرباد حب الفار بزر البیج فلفل انیسون و فینون عاقره تخم کرفس
۴ م ریوند قرفل بپاشه صمغ عربی با کلاب حب سازند حب نشا ط جت سرفه حار و زلات و سلق قوت با صند و نشا ط
۴ م و منع اسهال و تعدیل مزاج سوداوی نافع و از الیفات حقیر است کثیرا انیسون صمغ عربی رب السوس نشا طه استه با قوت جت
۴ م در و اید کبریا با العاب بر دانه حب سازند و مشک یکد آنک کابلی صافه میشود حب ۴ م از هر دو حکم مخد با قوی غیره

از فرط غم
و جوی ارمیده
بجوایز و نوا
وداد
نزار اینج علفان
بسک صد
الطیب
در حدیث زینا
در حدیث
الرد صلب
عائذ بها
وزن لغوه انعم
و بخت کلا
تالف حدادی

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

افسانہ و غنودہ

[illegible]

۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

[illegible]

کود قوام

[illegible]

لعوق كنند لعوق
زرد را بگوش تنه
آن را بادش

٥٠
 حقوق نقشه خمر سر
 وصف ارب بر کوفه
 موز جانانه
 آفتاب ده
 جوشانده آب از آب
 شکر کشیده
 و شکر آب
 آورده
 آفتاب ده
 کشیده

[illegible][illegible]

افسابی

باب در سرشته جبار و عددی زدن در آتش انداخته یک سیریز بر دزدان ملاصق کرده سر دیگر نیز در طرف آتش نهی نصب کنند
 که در دزدان از راه بی بر دزدان رسد و اگر طرف آتش نزدیک دزدان باشد بر آتش که بی بر دزدان نصب شود و دهن طرف را بپوشانند تا در دزدان
 و اصل که در دزدان رسد چون سینه بفرمان آلوده بر دزدان گذاردند کرم را صاف کنند مضمضه آب برکت شفا و لو قدری زرد
 و در دزدان رسد و بدستور بخور را تیاج بخور است و چون سوراخ دندان کرم خورده را بجا فور برکشند موجب شکیبایی و در دزدان
 و در دزدان رسد و بدستور بخور را تیاج بخور است و چون سوراخ دندان کرم خورده را بجا فور برکشند موجب شکیبایی و در دزدان
 که در دزدان رسد و بدستور بخور را تیاج بخور است و چون سوراخ دندان کرم خورده را بجا فور برکشند موجب شکیبایی و در دزدان
 با دام و نازیل و فندقی و غیره نان کرم و مضمضه بشیر و دتران و شیر الاغ و طلا کردن روغن زیتون و روغن تازه مغیذ است ادویه
 که دندان اطفال را از دزدان بر ویاندا از آنکه طلا کردن است بخور سرخروش که بچته باشند و مالیدن روغن مسوس و طلا کردن
 بر دهن سرشته صفت مضمضه و غرغره هاجمه امراض دمان و غیره مضمضه جمت رطوبات بن دندان و حرکت اسنان
 کل سرخ جوز السرو و سعد قره الطرافا بالتویه باب چوشانیده مضمضه کنند مضمضه قره جبهه قلاع و خون بن دندان و قلعش و جوشش در دزدان
 گوشت آن توتیای مغسول ۳۸ نشسته ۹ ال شکر خام ال بنفشه اسامید با سیرا جربا سرکه هفتاد و پنج ال آنجه در شیشه ضبط نمایند و بچته
 دمان یکمقال سرکه مذکور را با پست متقال آب انار یا آب کشیز مکر مضمضه کنند و بچته قطع خون و رویانیدن گوشت با سرکه مخلوط نمایند
 سرکه شیشه آفر شود بدستور سرکه تازه اضافه نموده ضبط نمایند و اگر کیسار زیاد بران بگذرد از اثر شیمی مضمضه که قبل از استعمال
 سنوات باید کرد تا تاثیر ادویه زرورات و سوسونات اسرع گردد و منظور از کنکاش فافرو منسوب بخنجر بن اسحق است تخم کل سرخ زرشک
 الطرافا برکت منور برکت زیتون از هر یک جزوی بار شک یا برکت آن یکچونیم جوشانیده نیم جزو شب یانی حل کرده مضمضه نمایند مضمضه
 و درم لثه و سستی آن طلائث شب یانی پوست نار ساق بالتویه مضمضه کنند مضمضه جبهه قلاع و آن جوشیدن دمان است و در دمان
 باب برکت علق و آب برکت بار شک و آب به سرکه که دران عدس و جباری و دشانهای تازه ناک و آرد و جوشانیده مضمضه کنند و بدستور
 که نازج و کلنار و کشیز خشک پوست انار و قلعش را جوشانیده مضمضه نمایند مضمضه جبهه قلاع بلغمی بر بخاسف برکت زیتون و امیران
 انار و قلعش بالتویه جوشانیده مضمضه کنند غرغره که قلع زبانی و سستی آن و تشویش کلام امفیذ است خردل زنجبیل فلفل عاقر
 نوشت در بوره شونیز صغیر نمک بالتویه نرم سائیده بکنجبین غصلی یا آبی که در آن مزج خوش و امثال آن جوشانیده باشند غرغره کنند
 جبهه خنق حار آب انار ترش که با پیله آن افشوده باشند یا رب توت و آب کشیز غرغره کنند و بدستور غرغره آب برکت بار شک
 غلبه القلب و آب ساق مطبوخ نافعت و بعد از چند روز که بضر یافته باشد غرغره رب توت با بوره و در بسیار مفید است غرغره که بعد
 نفیج نافعت انجیر زرد و حلبه ترندی اصل السوس را جوشانیده با فلفل یا سرشبر غرغره کنند و اگر صاحب درد کوبت داشته باشد غرغره
 ترندی کل سرخ تخم مور و جوشانیده ببارت سوس غرغره نمایند غرغره جبهه خنق بلغمی که فوکه نامند رب کرکان که از آب کرکان
 ترتیب داده باشند با مراف و زعفران غرغره کنند و بدستور باب کامه و سلک کبک یا آب ترب و خردل و یونج و عاقر و قراغره کنند غرغره

حار

و بار ده امراض خلق نافعت عدس کلنار کل سرخ که نازج جوشانیده ببارت بورد و غرغره کنند باب در سرشته جبار و عددی زدن در آتش
 قات و سایر ادویه عین کل و در و عبارت از ادویه بخور را تیاج بخور است که در چشم استعمال کنند بدون سیرین آن سرخ
 بهای مخصوص سرشته بسیارند و مانند زرد استعمال کنند مثل توتیای غوره و امثال آن و مخرج آن سلیا بول است اول از کاه و سرود
 یافته باین موسوم شده و بعد از آنکه اطباء از ادویه حار و ترتیب داده اند و قیر اسم نداده اند و شیا ف آنجه با بیات سرشته باین
 کنند و در سایه خشک نموده با بیات مل کرده استعمال نمایند و گویند مخرج آن بقراط است و از کتب یونانی استفاد میشود که قبل از
 یافته باشد و کل مخصوص است با نچه بایس در چشم کشند و در و آنچه بپاشند و مخصوص چشم نیست بلکه مخصوص قطع زوف جراحت است
 باب ما هم نیز مذکور میشود و در بسیار کل سلقینوس مذکور است که بموجب و جی ترتیب کل شده و گویند مخرج آن قیاسا غرغره است و در
 استعمال آن بعد از تنقیه باشد و صاحب مزاج کل حار و در شب و وقت صبح استعمال کند و اگر کل حار باشد و مزاج مریض بارد و در آخر روز
 کشد و اگر مزاج بارد و المزاج باشند در سطر و زرد که بجهت نزول آب و امثال آن استعمال کنند باید مریض بر پشت تکیه کند و هرگاه
 در اجفان باشد باید بعد از کشیدن دار و پلک را پوشیده بپوشد و خواب کند و هرگاه جهت دمه باشد پلک را نباید پوشید و بر پاشند
 بدستور بناید و امتلاهی معده استعمال نمود کل سرشیا نابیای بعد از شین و لون بعد از الف بیونانی یعنی مقوی البصر و جبار الکحل
 ان بقراط و گویند شیا غرغره است جمت ضعف بصر و عشا و دمه و سلاق حار و ابتداء آب و سبل و جرب و حله و حفظ صحت عین
 نافعت راست و مقاطیس محرق که هر یک را پانزده مرتبه باب کریم شسته باشند از هر یک یک نعل نوشاد مرزرد و در اطفال زعفران
 هر یک ال زبدالجرب و سید کابلی زکار هر یک نیم ام قلیما فی بوره قرشیا فی هر یک رب ل و از تافته پرون کرده استعمال نمایند
 امراض مذکوره استر خایم باشد و در متقال سره را اضافه کنند و اگر بیاض باشد مل اندرانی دول باید کرد و اگر باضعف اجفان باشد
 سبب ام و نیم اضافه نمایند و جمت برودت مغرور رب ل فلفل و اخل کنند با سلیقون که پانزده تالیف بقراط است و بیونانی یعنی باب
 است و گویند اسم بادشاه انعطاست و جمت آن ترتیب داده جالی و حافظ صحت عین و جهت حله و عشا و دمه و سبلی پلک چشم
 جرب و دمه و بیاض مزمن نافعت قلیما فی بوره قرشیا فی هر یک ده ال راست پانزده ال سفید اب قلعی یک ترک فلفل سیاه جوده نوشاد
 هر یک دوم نیم قرنفل شنه هر یک ال کافور نیم ال ساج هندی یکمقال نیم چند سیر سبل الطیب سره هر یک دوم با سلیقون
 فلفل شنه منافع کیه است قلیمای ذهبی ده نیم نحاس محرق مغسول پانزده هم سفید اب قلعی یک ترک هر یک دوم نوشاد جوده
 سیاه شنه هر یک یکدر هم کحل غریزی از تالیف بول است جمت حفظ صحت و قطع دمه و امراضی که از دمه برسد نافه و در سایر
 منافع آن مثل با سلیقونست قلیمای ذهبی توبال النحاس توتیای هندی و قرنفل صبر برکت فرخ شک هر یک ال مع هندی زبدالجرب
 هر یک ال و نیم شک یکدک کل ملکایا مغرب از مغیثا نامست که بسیار مانی عبارت از طلا که باشد و در قرابا وین یونانی مسطورا
 خواب بآن ملوم شد و خلط و مطلق و جالی جهت ادوا امراض معده و اسهال و دانه است از روت مر با بشیر الاغ نشاسته سکر سفید
 ال مغر شیمین کحل جمت اولی مؤلف شفا علا استعمال و صاحب تذکره گویند جرب است و خان سندروس که در پراغ بار و غن کل سر

و در دزدان رسد و بدستور بخور را تیاج بخور است و چون سوراخ دندان کرم خورده را بجا فور برکشند موجب شکیبایی و در دزدان
 و در دزدان رسد و بدستور بخور را تیاج بخور است و چون سوراخ دندان کرم خورده را بجا فور برکشند موجب شکیبایی و در دزدان
 که در دزدان رسد و بدستور بخور را تیاج بخور است و چون سوراخ دندان کرم خورده را بجا فور برکشند موجب شکیبایی و در دزدان
 با دام و نازیل و فندقی و غیره نان کرم و مضمضه بشیر و دتران و شیر الاغ و طلا کردن روغن زیتون و روغن تازه مغیذ است ادویه
 که دندان اطفال را از دزدان بر ویاندا از آنکه طلا کردن است بخور سرخروش که بچته باشند و مالیدن روغن مسوس و طلا کردن
 بر دهن سرشته صفت مضمضه و غرغره هاجمه امراض دمان و غیره مضمضه جمت رطوبات بن دندان و حرکت اسنان
 کل سرخ جوز السرو و سعد قره الطرافا بالتویه باب چوشانیده مضمضه کنند مضمضه قره جبهه قلاع و خون بن دندان و قلعش و جوشش در دزدان
 گوشت آن توتیای مغسول ۳۸ نشسته ۹ ال شکر خام ال بنفشه اسامید با سیرا جربا سرکه هفتاد و پنج ال آنجه در شیشه ضبط نمایند و بچته
 دمان یکمقال سرکه مذکور را با پست متقال آب انار یا آب کشیز مکر مضمضه کنند و بچته قطع خون و رویانیدن گوشت با سرکه مخلوط نمایند
 سرکه شیشه آفر شود بدستور سرکه تازه اضافه نموده ضبط نمایند و اگر کیسار زیاد بران بگذرد از اثر شیمی مضمضه که قبل از استعمال
 سنوات باید کرد تا تاثیر ادویه زرورات و سوسونات اسرع گردد و منظور از کنکاش فافرو منسوب بخنجر بن اسحق است تخم کل سرخ زرشک
 الطرافا برکت منور برکت زیتون از هر یک جزوی بار شک یا برکت آن یکچونیم جوشانیده نیم جزو شب یانی حل کرده مضمضه نمایند مضمضه
 و درم لثه و سستی آن طلائث شب یانی پوست نار ساق بالتویه مضمضه کنند مضمضه جبهه قلاع و آن جوشیدن دمان است و در دمان
 باب برکت علق و آب برکت بار شک و آب به سرکه که دران عدس و جباری و دشانهای تازه ناک و آرد و جوشانیده مضمضه کنند و بدستور
 که نازج و کلنار و کشیز خشک پوست انار و قلعش را جوشانیده مضمضه نمایند مضمضه جبهه قلاع بلغمی بر بخاسف برکت زیتون و امیران
 انار و قلعش بالتویه جوشانیده مضمضه کنند غرغره که قلع زبانی و سستی آن و تشویش کلام امفیذ است خردل زنجبیل فلفل عاقر
 نوشت در بوره شونیز صغیر نمک بالتویه نرم سائیده بکنجبین غصلی یا آبی که در آن مزج خوش و امثال آن جوشانیده باشند غرغره کنند
 جبهه خنق حار آب انار ترش که با پیله آن افشوده باشند یا رب توت و آب کشیز غرغره کنند و بدستور غرغره آب برکت بار شک
 غلبه القلب و آب ساق مطبوخ نافعت و بعد از چند روز که بضر یافته باشد غرغره رب توت با بوره و در بسیار مفید است غرغره که بعد
 نفیج نافعت انجیر زرد و حلبه ترندی اصل السوس را جوشانیده با فلفل یا سرشبر غرغره کنند و اگر صاحب درد کوبت داشته باشد غرغره
 ترندی کل سرخ تخم مور و جوشانیده ببارت سوس غرغره نمایند غرغره جبهه خنق بلغمی که فوکه نامند رب کرکان که از آب کرکان
 ترتیب داده باشند با مراف و زعفران غرغره کنند و بدستور باب کامه و سلک کبک یا آب ترب و خردل و یونج و عاقر و قراغره کنند غرغره

[illegible]

در دم چه از این هم و حصه قلب سردی هم قصد کرد و در چهار عدد دهن در بطن کشته
و معالجات جنه امراض فایده و سینه گرمی و حرارت مفراط باید قصد نمود و غرض قصد این دو عدد است در تحت زبان جنه بد
و سیدان کف دهن و در کم قصد کند تا طریقی معالجات است که در امراض طبعه غلبه ای سردی و فصل و اسفنج و کاسنی و کاه و
و غنچه و در امراض بارد و بچه و غلبه ای گرم و بکجای جو غنچه و بنه دانه و عدس و ماشان پس در دو به مخصوصه هر غنی است معالمانه ای
کی است که در ابتدا سر را حرکت دهد بمسببان رطوبت بینی و قله اکل و بعد از آن در م سنبیل در عجب گوش بهر سه علاج کشور
باز پس طماندن کم گمان که در روعن او را افزوده باشند با صابون و بنه قطونا و هرگاه منفرج گردد علاج فرجه باید کرد و دیگر ناخن
که نه یک سانگو کونید غلظت کف نفس و بر بدن غصروف بینی و سرش افکندن و عدم اکل است علاج قطع بسنه و اخراج غلظت
و قصد برین تخمین و سقوط کردن بزاج و زریخ و مرم زنگار و اسهال معطلات و در آن زمان که مانع لحم و باعث قلت اکل و
علاج قطع و مالدن موضع زخف و عطش که هر دور در روعن زینون جوشانده باشند و سنون نمودن شب بانی و شونیز
ضدغ و آن طور و در کاهای سینه در بر بدن است علاج کشوردن ضدغین و تضمد ثانی آنکه در مرق ضدغ طبع نموده باشد
و اکل آن دیگر تاثیر بواسطه غلظت هم اکل جیم و سر به پیش افکندن و عین بودن و افکندگی سینه و برخواستن سوی او
علاج در دورا بزنج و زن او را بویختنی با دوغ منفرج کرده بر روی بخ سرد نموده بخوراند و آن غنچه نمایند و هرگاه از درد
بویا باشد شل و غلبه از هر یک چهل و پنج گرم بکوب کرده با جو تاسه روز بدهند و ماشان مثل غنچه و ماشان و دساض و غنچه و علاج
بدستور معالجه انسان است که آنکه در بهایم ادویه قوی آنها را باید استعمال نمود و در این علاج از آنکه معال است هرگاه بعد از اکل
کردد از ضعف ریه خواهد بود و الا از دماغ علاج چاره او را تخم مرغ خام بکوبند و با در سر که چند روز بگذرانند پوست کم زرد
کردد انگاه بدهند و بدستور شیر بز و اسفنج و علف بخازی و عطشی و آب طبع غلبه مع بخازی بسیار نافعت و غیر
سعال و تریک دار و حبش طار و کجبه نموده است و بارده را حبش طائی و حب میوه داده و در قسم بارده نصیخ نموده اند
که این دو هر یک است و از آنه شونیز قه سیر قشر هر یک ۳ م روعن دهن تازه هفاد م بکوب کرده بدهند هر روز نیز بدستور
تا سه یوم باید داد و اگر اثری باقی ماند سه روز دیگر در پستی چار با بریزند و گویند اگر سالی یکبار این دوا را بدهند هیچ مرضی
در آن سال مسند نکند و باعث فرجهی اونیزی شود و بدستور دینی را با زیت و آب که بدهند از جراثیم و این دوا
و این دوا نیز بغایت نافعت سیر موز بریزه نمکواه زراوند مدحج هر یک ۳ م جوشانده حاضر نموده به پست م عمل بدهند و در سعال
سعال فصد و در این رافع دانسته اند و این موافق و سقوط زعفران بار و غن زیت بغایت مؤثر است و در کف غلظت غلظت
غلبه سبیل است و بی ارامی و بر بدن شکم علاج تخم کافشه بخام او را در لبت کجبه چرم او را بخوراند و با آب مقطر کرده
بکوبند تا اطلاق واقع شود و سیاق تخم لطف صابون و موز از جراثیم خصوصاً با قدری زهره کاه و عذر اندین بک
زهره عرس جند و در سکم و در دیگر دسته ان مجرب است و بدستور شل از عطش و اسهال تخم حنظل کردن و در اندین اب زرد

foliated 3/28/90
J.M.

Loose material follows

فانتم و اولادكم و اولاد اولادكم
فانتم و اولادكم و اولاد اولادكم

1890
 1891
 1892
 1893
 1894
 1895
 1896
 1897
 1898
 1899
 1900

[illegible]

تحت اكرامه من قريته
تحت اكرامه من قريته
تحت اكرامه من قريته

2011. 8

Russian 118
folios 18.



END OF REEL
PLEASE REWIND

